

شبهه این کمونه

شبهه این کمونه، از شبهات فلسفی مشهور در باب توحید واجب الوجود. بر اساس آموزه توحید، واجب الوجود وجودی واحد (یگانه) و احد (سیط محض) است که از هرگونه ترکیب و تکثری در ذات، منزه و واجد همه کمالات است. حکما برای اثبات وحدت واجب تعالی بر همین متعددی اقامه کرده‌اند که حد وسط آنها گوناگون است (→ توحید*). اما مشهور بین آنان این است که اگر واجب الوجود لذاته متعدد باشد بین آنها امتیاز و اشتراکی خواهد بود که از سه قسم خارج نیست: (۱) مابه‌الاشتراک و مابه‌الامتیاز، هر دو ذاتی باشند؛ (۲) مابه‌الاشتراک عین ذات و مابه‌الامتیاز خارج از ذات باشد؛ (۳) مابه‌الامتیاز عین ذات و مابه‌الاشتراک خارج از ذات باشد. در فرض اول، واجب مرکب خواهد بود که با وجوب وجود سازگار نیست. در فرض دوم، مابه‌الامتیاز خارج از ذات و عرضی و در نتیجه معلول است و چون مابه‌الامتیاز همان تعیین وجود است، پس واجب در تعیین خود محتاج به غیر و در نتیجه ممکن می‌شود. در فرض سوم هم وجوب وجود، عرضی و معلول خواهد بود که این نیز با وجوب وجود سازگار نیست. اما دلیل یادشده با این تحلیل نارساست، زیرا نتیجه این دلیل بیش از این نیست که این حقیقت بیش از یک فرد ندارد. در اینجا همان شبهه‌ای که به شبهه این کمونه معروف است، مطرح می‌شود:

شبهه این است: حقیقت دیگری می‌توان فرض کرد که آن هم واجب باشد و به تمام ذات از این حقیقت، ممتاز و با آن مباین باشد و آن هم بیش از یک فرد نداشته باشد. در چنین فرضی، مابه‌الاشتراک، که همان مفهوم وجوب وجود است، خارج از ذات آنها و مابه‌الامتیاز عین ذاتشان است، ضمن آنکه هر دو بسیط مجهول‌الکنه‌اند، وجوب وجود از ذات هر یک از آنها انتزاع می‌شود و مفهوم وجوب به‌عنوان امری انتزاعی و خارج محمول بر آنها اطلاق می‌گردد؛ به نحوی که دو واجب در مفهوم عرضی وجوب، مشترک و به تمام ذات از یکدیگر متمایزند. به این ترتیب، اختلاف آنها در بعضی از اجزای ذات نخواهد بود، که مستلزم ترکیب واجب از جنس و فصل و ناسازگاری با وجوب وجود بالذات باشد. همچنین اختلاف آنها در عوارض لاحق بر ذات هم نیست، که مستلزم معلول بودن واجب باشد. پس اختلاف آنها به تمام هویت ذات است و هیچ جهت اشتراکی میان آنها قابل تصور نیست. بنابراین، هیچ تلازمی بین ذاتی بودن مفهوم وجوب وجود و یگانگی واجب الوجود نیست (→ سهروردی، ج ۱، ص ۳۹۳، ۳۹۵؛ ابن کمونه، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۷-۷۸؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، سفر ۱، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۳، سفر ۳، ج ۱، ص ۵۸-۶۲؛ سبزواری، ج ۳، ص ۵۱۵-۵۱۸؛ جوادی آملی، ج ۶، بخش ۱، ص ۴۳۶-۴۴۰).

از عالم هورقلیا* نازل شده و در عالم جسمانی در معرض عوارضی قرار گرفته است و اجزای عنصری بدن در قیاس با اجزای هورقلیایی که اصل است، به منزله چرکی است که بر روی جامه می‌نشیند و با شستشو از بین می‌رود. بدین ترتیب، وقتی بدن شخصی خورده شود، آنچه از طریق تغذیه جزو بدن خورنده می‌شود، فقط عوارض لاحق است، اما بدن اصلی که همان بدن هورقلیایی است، هرگز مأکول واقع نمی‌شود و به هیچ وجه از بین نمی‌رود و در قیامت همان بدن محشور می‌شود (ج ۲، ص ۲۱۸-۲۱۹، ۳۰۴-۳۰۸). این پاسخ با اعتقاد به معاد جسمانی بدان گونه که در قرآن و روایات متواتر آمده ناسازگار است، زیرا آنچه در این پاسخ آمده، به نوعی از بدن مربوط می‌شود که وی آن را جسد هورقلیایی خوانده، حال آنکه عنوان جسم و جسمانی تنها با بدن عنصری تطبیق پذیر است (→ ابراهیمی دینانی، ج ۳، ص ۳۷۲-۳۷۴).

منابع: علامه میر قرآن؛ غلامحسین ابراهیمی دینانی، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران ۱۳۷۶-۱۳۷۹ ش؛ ابن سینا، رساله‌ی اضحویة فی امر المعاد، چاپ سلیمان دنیا، مصر ۱۹۴۹/۱۳۶۸؛ ابن مخدم حسینی، مفتاح الباب، در حسن بن یوسف علامه حلّی، الباب الحادی عشر للعلامة الحلّی، چاپ مهدی محقق، تهران ۱۳۶۵ ش؛ ابن مینم، قواعد المرام فی علم الکلام، قم ۱۳۹۸؛ احمد بن زین‌الدین احسائی، شرح العرشیه، کرمان ۱۳۶۱-۱۳۶۴ ش؛ علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلّین، چاپ محمدحسین الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۶۹-۱۳۷۳/۱۹۵۴-۱۹۵۰؛ هادی بن مهدی سبزواری، شرح المنظومه، چاپ حسن حسن‌زاده آملی، تهران ۱۴۱۶-۱۴۲۲؛ محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت ۱۹۸۱؛ عبدالرحمان بن احمد عضدالدین ایجی، المواقف فی علم الکلام، بیروت: عالم‌الکتب، [بی‌تا]؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، چاپ محمد نجمی زنجانی، تهران ۱۳۳۸ ش؛ همو، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، چاپ حسن حسن‌زاده آملی، قم ۱۴۰۷؛ علی بن حسین علم‌الهدی، الذخیره فی علم الکلام، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۱۱؛ محمد بن محمد غزالی، تهافت الفلاسفة، چاپ سلیمان دنیا، قاهره [۱۹۸۷]؛ همو، کیمیای سعادت، چاپ حسین خدیوچم، تهران ۱۳۶۱ ش؛ همو، مجموعه رسائل الامام الغزالی، بیروت ۱۴۱۴-۱۴۱۸/۱۹۹۷-۱۹۹۷؛ محمد بن عمر فخر رازی، البراهین در علم کلام، چاپ محمدباقر سبزواری، تهران ۱۳۴۱-۱۳۴۲ ش؛ همو، التفسیر الکبیر، قاهره [بی‌تا]، چاپ افست تهران [بی‌تا]؛ همو، المطالب العالیة من العلم الالهی، چاپ احمد حجازی سقا، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ عبدالرزاق بن علی لاهیجی، گوهر مراد، چاپ زین‌العابدین قربانی لاهیجی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ مجلسی؛ محمد بن نصیرالدین طوسی، تلخیص المخصّل، بانضمام رسائل و فوائد کلامی، چاپ عبدالله نورانی، تهران ۱۳۵۹ ش؛ ابواسحاق ابراهیم نوبختی، الیاقوت فی علم الکلام، چاپ علی اکبر ضیائی، قم ۱۴۱۳.

/ مهناز قانع خوزانی /